

۲۱. نقشه خداوند

در وسط مروارید ذره ماسه ای پیدا میشود. این ذره خارجی، عجیب، ساینده، دردناک و هلاک کننده میباشد. پیدایش مواد نامطلوب در باطن صدف علاج طبیعی دارد. ترشحاتی از بدن صدف ذره خارجی را محاصره نموده آن را بی زیان میگرداند و در نتیجه بمروارید زیبا و ذیقیمتی تبدیل می شود. برای مبارزه با مواد مضره طریق طبیعی وجود دارد. طبیعت خود بخود واقع نمی شود. بلکه نتیجه نقشه کلی خداوند می باشد. خدای تدارک کافی دیده تا فورای و بطور

کامل با مواد نامطلوب بر علیه نقشه خیر خویش مقاومت نماید.

هنگامی که میکروب سل در ریه کسی ظاهر میشود تمام بدن آنرا برای دفع دشمن مرگ آور بعملیات دفاعی میپردازد. مواد شیمیائی با اعضای جسمی تمام بدن با همکاری بینظیری قسمت مسلول را با پوسته آهکی یا سنگی صدف مانندی محاصره میکنند، تا به طبیعت فرصت کافی داده شود که این دیوار آهکی میکروب سل را بکلی محبوس کرده آن مایه فساد را بی اثر و ناتوان میگرداند. این باعث می شود که میکروب به قسمتهای بدن سرایت نکند. بخاطر این دستگاه دفاعی خودکار شخص مبتلا بسل از مرگ حتمی نجات می یابد. رعایت قوانین طبیعت برای حفظ سلامتی و تندرستی ضروری و واجب است.

همان رویدادی را که در دفاع مروارید و سل در عالم طبیعت متذکر شدیم در روابط و امور طبیعی انسانی و اجتماعی نیز مشاهده می شود زیرا که مولد هر دو، خالق دانا میباشد. علت اینکه قدرت الهی و نقشه خدائی را دیر متوجه میشویم یا آنکه نسبت به بی توجه هستیم آنست

که خود ما در امور سپیم می باشیم و در حقیقت جزء اشکالات هستیم. بنابراین بایستی سعی کنیم فکراً خود را از گیر و دار امور روزانه برای مدتی جدا سازیم. از دور با دیده دقت، نگاهی به منظر کلی قوای مربوطه بیفکنیم. آنگاه ذره ماسه خشن یا میکروبهای سل اهریمنی را مشاهده خواهیم کرد - یعنی عوامل خارجی، موذی، دردناک، و مخرب، و در عین حال عکس العمل طبیعت نیز که نقشه محافظت و معالجه پروردگار باشد را بوضوح خواهیم دید.

تا این مرحله دو حالت شگرف را ملاحظه کردیم - یکی ارتداد عالم مسیحیت است و دیگری ظهور، رشد و موفقیت معجزه آسای عالم اسلام. در بیش از سیزده قرن گذشته روابط عمومی بین این انسانها دو عالم مخالف بوجود آورده است. متأسفانه ایندو همدیگر را دشمن می دانستند. طرفداران یک عالم خود را منبع حقیقت و رقیبان را نمایندگان یا تحریک شدگان شیطان می پنداشتند. ولی از نقطه نظر دید کلی معلوم میشود که خداوند «جمع ملل را از نسل یک انسان آفرید تا در تمام سطح زمین ساکن شوند و برای آنان اوقاتی مقرر فرمود و برای مرز و بومشان حدودی معین کرد تا خدا را بچوبند و کورکورانه پی او نگردند تا شاید او را بیابند و حال آنکه او از هیچ یک از ما دور نیست. . . زیرا روزی را معین فرمود که جهان را با راستی و درستی بوسیله شخصی که برگزیده خود اوست داوری فرماید» (اعمال رسولان ۱۷: ۲۶-۳۱).

یولس رسول تأکید میکند که

ممالک صعود و نزول میکنند - نه بعلت توانائی یا جبروت و هنر یا نیروی نظامی ، بلکه «اوقاتی مقرر فرمود و برای مرز و بومشان حدودی معین کرد.»

سپس اضافه میکند که نقشه خداوند در ظهور ممالک، پیدایش و انهدام آنها - همه برای

یک مقصود بوده. یعنی «تا خدا را بجویند و کورکورانه پی او نگردند تا شاید او را بیابند» - تا او را همچو خالق بیستند. چرا؟ زیرا که زمان داوری او رسیده است. فقط از نقطه نظر دید کلی می توانیم مقصود خداوند را در تاریخ ملل پیدا کنیم. و از آن دید مناسب می توان کشمکش عظیم بین نیکوئی و شرارت را دید. در مسیر تاریخ خداوند ممالک و رهبران بزرگ و کوچکشان را وادار می کند تا نقشه وی را بانجام برسانند. خداوند ممالک را برپا میکند تا اراده او را بجا آورند و بمجرد اینکه از انجام آن وظیفه باز می ایستند بزودی جانشینی برایشان تعیین میکند. سزاوار است نظریه دانیال نبی را در این باره تکرار کنیم - «تا زندگان بدانند که حضرت متعال بر ممالک آدمیان حکمرانی میکند و آنرا بهره می خواهد می دهد.» (دانیال ۴: ۱۷).

تجاوز از حدودی که خداوند معین کرده همچون تجاوز امواج دریا از سواحل مشخص خود محال و غیر ممکن است. خداوند پیشرفت بشر و حدود مسکنهایشان را برای حضرت ایوب به جزر و مد دریا تشبیه کرده چنین فرمود - «تا اینجا بیا و تجاوز منما و در اینجا امواج سرکش بازداشته شود.» (ایوب ۳۸: ۱۱). امور ممالک و امتها هرگز از تسلط و اراده خداوند خارج نشده. وی در مقام مطلق خود همیشه پایدار بوده و تا به ابد خواهد بود.